

پیشخوان

روایتی از استیضاح تاریخی اقلیت مجلس یازدهم

چالش منتقدان با دولت محمد ساعد

■ محمد رضا کاتبینی



استیضاح تاریخی نمایندگان فراکسیون اقلیت مجلس یازدهم از دولت محمد ساعدمرافعاتی از رویدادهای در خور خوانش در تاریخ نهضت ملی ایران است. مذاکرات مربوط به این

استیضاح، از سوی حسین مکی تدوین و بارها از سوی انتشارات امیرکبیر نشر یافته‌است. او در دیپاچه این اثر و در مقام اشاره به وقایع پیشاستیضاح به نکات ذیل اشاره کرده‌است:

«دوره یازدهم تقنینیه، با مسئله نفت شروع شد و با قضیه نفت پایان یافت. در این دوره مجلس، قانون کان لم یکن دانستن قرارداد کام - سادجیکف و استیفای حقوق ایران از نفت جنوب به تصویب رسید. عده‌ای از نمایندگان راجع به حقوق از دست رفته ایران و استیفای آن نطق‌های مهم و شورانگیز ایراد نمودند و حتی چند روز قبل از واقعه سوءقصد در دانشگاه، دولت ساعد به‌وسیله عباس اسکندری نماینده همدان، تحت استیضاح قرار گرفت و دولت مشغول پاسخ به استیضاح بود که واقعه سوءقصد به‌وقوع پیوست. استیضاح دیگری هم توسط غلامحسین رحیمیان نماینده قوچان از دولت شد که روز ۱۲ و ۱۳ بهمن ۱۳۳۷ در مجلس مطرح گردید و رحیمیان درباره نفت و بانک‌شاهی منتقل به انگلیس‌ها) و حوزه انتخاباتی‌اش مطالبی بیان کرد، ولی آن استیضاح هم پایان نیافته بود! اغلب حوادث، بلکه تمام وقایع و تشنجاتی که به وقوع پیوسته، سرچشمه‌اش از نفت‌است. یکی دو هفته قبل از ۱۵ بهمن، طرحی به وسیله و خط‌نمازنده بدین شرح تهیه شد: امضاکنندگان ذیل، طرح قانونی زیر را به‌فید دو فوریت تقدیم و تقاضای طرح و تصویب آن را دارم: مجلس شورای ملی ایران، قرارداد ادعایی نفت



➤ حسین مکی در دوران نهضت ملی ایران

جنوب را به نام شرکت نفت ایران و انگلیس به‌رسمیت نمی‌شناسد و آن را کان لم یکن می‌داند. حسین مکی، عباس اسکندری، حاج‌ری زاده، عبدالقدیر آژده، محمود محمود، منوچهر کلادی، معتمدملمانندی، غلامحسین رحیمیان، شریف‌زاده، کشاورز صدر و لاهوتی. ۱۱ نفر از نمایندگان آن را امضا کردند و فقط چهار نفر باقی داشت تا قابل طرح در مجلس باشد. مشغول تکمیل امضاها بودم که دو، سه شب قبل ۱۵ بهمن، در معرض تهدید قرار گرفتم که چگونگی آن به این قرار بود: دو ساعت بعد از نصف شب، ناگهان مبتلا به دل درد شدم، به ناچار برخاستم. کسی را بیدار نکردم، اتوی برقی برداشتم، به برق وصل نمودم. حوصله‌ام را گرم کرده، روی معده گذاشتم. اندکی در دستکین یافت چراغ اتاقی را خاموش کردم، ولی در حدود نیم‌ساعت یا سه‌ربع، همچنان بیدار بودم که ناگهان صدای فریاد برادرم که در اتاقی نزدیک من اتاق من خوابیده بود، بلند شد! از جا جستم و هفت‌تیر را برداشتم. مرد قوی هیکل و قد بلندی را در ایران جلوی اتاقم مشاهده کردم. یک تیر هوایی شلیک کردم. مرد دیگری را ووسط حیاط دیدم که به طرف دیوار متری مقابل، به چلبکی با لرفتا یک نفر دیگر هم‌روی بام مشاهده کردم. تیر دوم که صدا کرد، آن دو نفر خود را بالای بام رسانیدند. بلافاصله دو نفر باسنان رسیدند و چون یک شانتیمتر بر روی زمین نشسته بود، رد پا را روی برف مشاهده نمودند. دنبال رد پا را گرفتند تا به کوچهای رسیدند. از همان راه مراجعت کردند. صبح سرگرد سپهر رئیس کلانتری ۴، با یک نفر که قد کوتاه و پیچه در دست داشت، به منزل آمدند. سرگرد سپهر گفت این مرد سابق بوده و این هم کمند ابریشمی است که با آن با یم به سطح خانه آمده‌است. گفتیم آن دو نفر که در سطح حیاط دیدم، قد بلند و قوی هیکل بودند، در ضمن یک نفر هم‌روی بام بوده‌است. تصور نمی‌کنم که این مرد باشد، وانگهی اگر دزد بود، چرا الحاف را از روی صورت بردارم برداشته‌است؟ غلام مجلس شدم. سر راه اداره کل شهرتانی رفتم و ماجرا را برای سرتیپ شاهپور مختاری، رئیس پلیس تهران بیان کردم. یاداشت کرد و گفت تعقیب خواهم کرد.»

■ نیما احمدپور

در روزهایی که بر ما می‌گذرد، رحلت عالم مجاهد زنده‌یاد آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی، ۶۰ ساله می‌شود. از این‌روی خوانش و تحلیل کارنامه سیاسی آن عالم مجاهد به‌نگام می‌نماید. در مقال پی آمده، مبارزات آیت‌الله در ادوار پیش و پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مورد ارزیابی قرار گرفته‌است. مستندات این نوشتار، بر تار نامی پژوهش‌کده مطالعات تاریخ معاصر ایران وجود دارد. امید آنکه محققان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ انگلیسی‌ها چنین وانمود کرده‌اند: آیت‌الله خوب کسی است که کاری به کار سیاست نداشته باشد!

شالوده‌راهربر زنده‌یاد آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی بر پیوستگی دیانت و سیاست مبتنی است. با این همه از یاد تبریم که این رویکرد، در دوره‌ای که آن عالم مجاهد به مبارزه با استعمار انگلستان دست زد، چندنا را فکری نبود! کاشانی با پافشاری قاطع بر این تئوری، نقشی مهم در تقویت جریان حزبی-وزری- سیاسی داشت. سیدمرتضی حافطی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این باره معتقد است:

«با آغاز جنگ جهانی دوم، گرچه ایران همچون زمان جنگ جهانی اول اعلام بی‌طرفی کرد، اما روسیه و انگلیس با ادعایی مشابه آنچه در زمان جنگ جهانی اول مطرح شد، ایران را اشغال کردند! حضور اشغالگران در خاک ایران، عموم مردم و به‌ویژه روحانیت را به اعلام موضع و ابراز انزجار از دخالت بیگانگان واداشت. در این میان آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، از جایگاه خود، تجساز اشغالگران انگلیس و صدمات وارده با کشور و مردم را بر تافت و با برافراشتن غلم مبارزه با استعمارگران، برگ تازه‌ای در تحولات تاریخ معاصر ایران گشود. آیت‌الله کاشانی، یکی از مبارزان سرسخت، دولت انگلستان در جوامع اسلامی بود. او پس از انقلاب ۱۹۲۰ عراق برمی‌گردد. آیت‌الله کاشانی در این مبارزات، نقشی بی‌مانند در به حرکت در آوردن نیروهای مردمی نجف و کاتبین علیه استعمار ایفا کردند. ایشان مقران را در جنگ جهانی اول و در ۳۲ سالگی، به اتفاق پدر و دیگر علمای عراق علیه تجاوز انگلیسی‌ها به مبارزه پرداخت و بدین

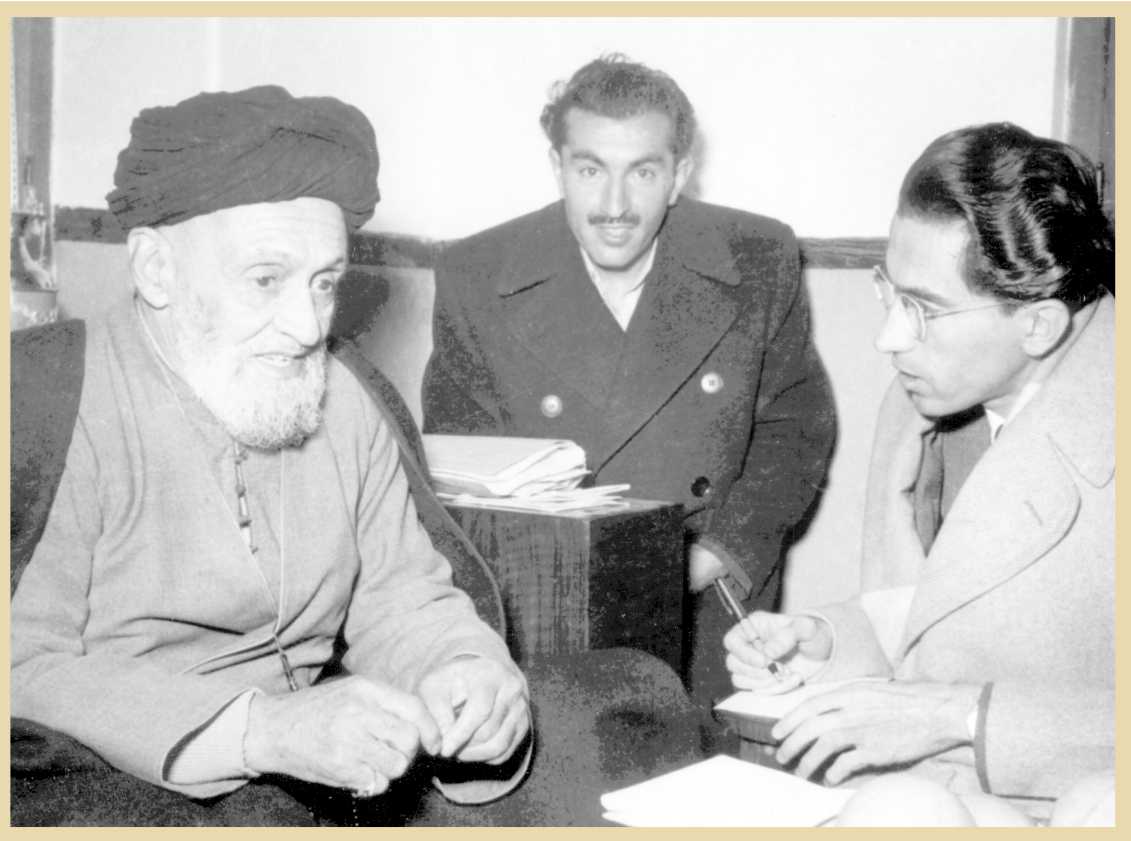
مرد دیگری را ووسط حیاط دیدم که به طرف دیوار متری مقابل، به چلبکی با لرفتا یک نفر دیگر هم‌روی بام مشاهده کردم. تیر دوم که صدا کرد، آن دو نفر خود را بالای بام رسانیدند. بلافاصله دو نفر باسنان رسیدند و چون یک شانتیمتر بر روی زمین نشسته بود، رد پا را روی برف مشاهده نمودند. دنبال رد پا را گرفتند تا به کوچهای رسیدند. از همان راه مراجعت کردند. صبح سرگرد سپهر رئیس کلانتری ۴، با یک نفر که قد کوتاه و پیچه در دست داشت، به منزل آمدند. سرگرد سپهر گفت این مرد سابق بوده و این هم کمند ابریشمی است که با آن با یم به سطح خانه آمده‌است. گفتیم آن دو نفر که در سطح حیاط دیدم، قد بلند و قوی هیکل بودند، در ضمن یک نفر هم‌روی بام بوده‌است. تصور نمی‌کنم که این مرد باشد، وانگهی اگر دزد بود، چرا الحاف را از روی صورت بردارم برداشته‌است؟ غلام مجلس شدم. سر راه اداره کل شهرتانی رفتم و ماجرا را برای سرتیپ شاهپور مختاری، رئیس پلیس تهران بیان کردم. یاداشت کرد و گفت تعقیب خواهم کرد.»

➤ حسین مکی در دوران نهضت ملی ایران

دکتر یعقوب توکلی: «در دوران نهضت ملی، امام خمینی و آیت‌الله کاشانی با هم ارتباط داشتند، هر چند امام خمینی قائل به تغییر ساختارهای کلان موجود بودند! آقای کاشانی قصد داشتند در داخل ساختار سلطنت، اصلاحاتی را انجام دهند که امام آن را بی‌اساس می‌دانستند! با این همه امام نسبت به آیت‌الله کاشانی غیر تمند بودند. یکی از تلخ‌ترین خاطراتی که ایشان از آن دوره مطرح می‌کنند، ماجرای توهینی است که به آیت‌الله کاشانی شد و حمله‌ای که به منزل ایشان روی داد و یک نفر از حاضران کشته‌شد!...»

عاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷



آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، در یک گفت‌ووشنود مطبوعاتی

آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی و تداوم مبارزه در ادوار پیش و پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

مردی با کوله‌بار ۶دهه مبارزه

با استعمار انگلیس در عراق و ایران

رتیب، نخستین نبرد مسلحانه را در منطقه ایجاد کرد.

ایشان با مجاهدت‌هایشان کنار سایر نیروها یکی از مبارزات بزرگ خنداستعماری را تحت عنوان نهضت ملی کردن صنعت نفت ایران شکل داد و انگلستان که در آن تاریخ هنوز بر قدرت زمان به شمار می‌فت، با شکستی بی‌سابقه مواجه گردید. در کل باید اذعان کرد آیت‌الله کاشانی، سمبل مبارزه با اشغال و استعمار، در تاریخ ایران معاصر به‌شمار می‌رود. او با تکیه بر تجارب شخصی خود در مبارزه با استعمارگر بر سابقه‌های همچون انگلیس، از همان ابتدا ندای استقلال ایران را سر داد. او در زندگی بر فراز و فرود خود، لحظه‌ای از این آرمان عقب نشست و تا به‌نمر نخستن حذف انگلستان از سپهر سیاست در ایران، به مبارزه خود ادامه داد. آیت‌الله پس از بازگشت به ایران، در صدد وحدت روحانیت برای مقابله با سیاست‌های رضاشاه بر آمد. بر همین اساس، دخالت روحانیت در سیاست را به صورت یک تکلیف شرعی بیان نمود. در اسلام مذهب از سیاست جدا نیست و وظیفه دینی و دنیایی مسلمان آن است که در سیاست کشور دخالت کند و با آشنایی کامل از حقوق خود، از برادران دینی و کشور و میهن خویش بتواند دفاع کند!.. آیت‌الله کاشانی در مجلس ختم آیت‌الله‌العظمی بروجردی، به منبر رفت و گفت باید حتماً کسی که پس از بروجردی غلم اسلام را در دست می‌گیرد، به تمام شیعیان تعهد بدهد که وارد سیاست شود!.. در ادامه نیز یادآور شد که مراجع تقلیدی که به سیاست توجه نداشته‌باشند، ارزش ندارند و انگلیسی‌ها چنین وانمود کرده‌اند که آیت‌الله خوب است که کاری به کار سیاست نداشته باشد!... گویی زمانه‌ای فرارسیده بود که سیاست و فقهات همیا به سمتی می‌رفتند که نشان از فصل خزان دوری گزینی سازمان روحانیت از سیاست داشت!...».

■ **عالشی که اولویت را به استعمار ستیزی داد**

در اندیشه آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی، مبارزه با عوامل انحطاط و استعمار ملل اسلامی، اولویتی ویژه دارد. از این روی او از آغاز جوانی تا پایان حیات، بی جوی طرد نفوذ دولت انگلستان در جوامع اسلامی بود. او پس از انقلاب ۱۹۲۰ عراق و مهاجرت به ایران نیز همچون رویکرد را بی گرفت. دکتر یعقوب توکلی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران این مقوله را چنین بسط داده است:

«استعمار ستیزی، مؤلفه اصلی تفکر آیت‌الله کاشانی بود. ایشان بعد از آنکه به ایران آمدند، با اینکه استعمار ستیز بودند به فکر تغییر ساختار حکومت در ایران نبودند! را



در حال تحویل از شهید استاد خلیل غفلماسی ۱۳۳۲. آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی

دکتر موسی ققیه **حقانی**: «**آیت‌الله کاشانی تا ۳۰ تیر ۱۳۳۱، محکم‌ترین پشتوانه دولت دکتر مصدق بود.** به واسطه تلاش‌های اوست که دکتر مصدق بعد از این رویداد، به قدرت برمی‌گردد. آیت‌الله آست که مردم را به خیابان‌ها می‌کشاند و شاه را تهدید می‌کند اگر دکتر مصدق برنگردد، کفن می‌پوشم و مردم را به سمت کاخ هدا یت می‌کنم!... یعنی ایشان آماده بود که تا سرنگونی شاه هم پیش برود تا دکتر مصدق را مجدداً به قدرت برگرداند! آیا فردی با چنین ویژگی‌هایی که تمام حیثیت و سابقه و قدرت مبارزات استعماری‌اش را پای دکتر مصدق و نهضت ملی گذاشته، می‌تواند با کودتاگران همراهی و همکاری داشته باشد؟...»

روی داد و مشهور است که داریوش فرهر آن فرد را کشته‌است!...».

■ **دکتر فاطمی: ما با رهبری پیشوایان فداکار و از جان گذشته‌ای چون آیت‌الله کاشانی، بساط شرکت ننگین نفت را بر چیدیم!**

نقش آیت‌الله کاشانی در فرآیند ملی شدن نهضت نفت، آنچنان واضح و آشکار بود که مخالفان بعدی وی نیز نتوانستند آن را نادیده‌بینگارند! به عنوان نمونه، دکتر سید حسین فاطمی در یکی از مقالات خویش در سال ۱۳۳۰، در این‌باره چنین آورده است:

«سا در عرض یک سال (۱۳۳۰) تحت رهبری پیشوایان فداکار و از جان گذشته‌ای مانند آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق، بساط شرکت ننگین نفت را بر چیدیم و اینک، لانه‌های جاسوسی استعمار را در سراسر کشور بسته‌ایم، حق داریم جشن بگیریم، جشن آزادی... جشن رهایی از چنگ نفوذ بیگانه و امیدوار باشیم قدرتی که این ایشانه‌های سواد را بسته‌است، قادر خواهد بود به تمام فعالیت‌های شوم بیگانگان در ایران خاتمه بدهد و شالوده یک ایران خویشخت و سعادت‌مند را بریزد...».

■ **آیت‌الله نوائست علیه نهضتی که خود پایه‌گذار آن بود، کودتا کند!**

همکاری آیت‌الله کاشانی با عوامل کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در زمره اتهاماتی است که گروه‌های گوناگون و امیدوار باشیم قدرتی که این ایشانه‌های سواد را بسته‌است، قادر خواهد بود به تمام فعالیت‌های شوم بیگانگان در ایران خاتمه بدهد و شالوده یک ایران خویشخت و سعادت‌مند را بریزد...».

دکتر مصدق را به صورت یک تکلیف شرعی بیان نمود. در اسلام مذهب از سیاست جدا نیست و وظیفه دینی و دنیایی مسلمان آن است که در سیاست کشور دخالت کند و با آشنایی کامل از حقوق خود، از برادران دینی و کشور و میهن خویش بتواند دفاع کند!.. آیت‌الله کاشانی در مجلس ختم آیت‌الله‌العظمی بروجردی، به منبر رفت و گفت باید حتماً کسی که پس از بروجردی غلم اسلام را در دست می‌گیرد، به تمام شیعیان تعهد بدهد که وارد سیاست شود!.. در ادامه نیز یادآور شد که مراجع تقلیدی که به سیاست توجه نداشته‌باشند، ارزش ندارند و انگلیسی‌ها چنین وانمود کرده‌اند که آیت‌الله خوب است که کاری به کار سیاست نداشته باشد!... گویی زمانه‌ای فرارسیده بود که سیاست و فقهات همیا به سمتی می‌رفتند که نشان از فصل خزان دوری گزینی سازمان روحانیت از سیاست داشت!...».

➤ حسین مکی در دوران نهضت ملی ایران

روزنامه جوان | شماره ۶۴۴۸

می‌تواند برای اینکه بگوییم آیت‌الله کاشانی با کودتا همکاری داشته و سعی کرده اشرف پهلوی را برای همراهی با کودتا به ایران دعوت کند، مستند قرار بگیرد؟
ناپسند: از یاد تبریم که آیت‌الله کاشانی، به طور جدی پای نهضت ملی نفت ایستاده بود و تمام تلاشش مصروف به این امر می‌شد که دکتر مصدق را متقاعد کند تکیه بر امریکا برای نهضت نتیجه‌ای نخواهد داشت و نمی‌شود کشور را معطل گذاشت و نخست‌وزیر ایران، بیش از ۴۵ روز در امریکامباند ناظر و حمایت امریکایی‌ها را جلب و همه چیز را منوط به اقدامات آنها کند! اینها باعث شد فرصت‌ها در کشور از دست بروند و کودتاگران در روز ۲۸ مرداد، خیلی راحت به اهدافشان برسند...»

درگیری آیت‌الله با عوامل انگلستان پس از کودتا

مبارزات زنده‌یاد آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی با عوامل انگلستان در ایران پس از وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، فصلی شاخص و در خور خوانش، در حیات آن روحانی مبارز به‌شمار می‌رود. قطعه‌ای که ظاهراً جریان تاریخ‌نگاری ملی‌گرا و سلطنت‌طلب، در اتحادیه نانوشته علاقه‌ای به خوانش آن ندارند. سارا اکبری، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در این زمینه می‌نویسد:

«پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش، فضل‌الله زاهدی در مقام نخست‌وزیر، سرکوب مخالفان سیاست‌های دولت کودتا را در پیش گرفت.

توقیف، اعدام و در خوف و هراس نگه‌داشتن مداوم مخالفان در زمان او، جزء امور روزمره بود! آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی به عنوان یکی از اعضای شاخص جریان مذهبی، از جمله افرادی است که بعد از کودتا به فعالیت‌های ضد استبدادی و ضد استعماری خویش ادامه داد. فعالیت‌های مبارزاتی وی، به‌منظور کوتاه کردن دست بیگانگان از منابع نفتی کشور، زمینه‌های وحشت عوامل داخلی و خارجی استعمار فراهم کرد و سبب شد که آنها چند سال بعد، به بازداشت آیت‌الله کاشانی اقدام کنند. به دنبال کودتای ۲۸ مرداد، زاهدی دولت را در دست گرفت و اعضای جبهه ملی و دیگر گروه‌های مبارز را به زندان افکند. در این میان عده‌ای که ماه‌ها قبل از کودتا از اختلافات آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق سوء استفاده کرده بودند، شایعه حمایت آیت‌الله کاشانی از زاهدی را بین مردم منتشر کردند! را

چنین شرایطی زاهدی فرصت را مناسب دید تا با آیت‌الله ملاقات کند. هدف زاهدی از دیدار با این روحانی مجاهد، کسب محبوبیت بین توده مردم بود. به همین دلیل سه روز بعد از کودتا در شمیران با ایشان دیدار کرد. زاهدی در این دیدار در پاسخ به پرسش‌های آیت‌الله کاشانی درباره نفت و مسئله فرامت‌گیری انگلستان گفت نفت را به انگلیسی‌ها نخواهد داد و فرامت را هم نخواهد پرداخت! او در ادامه به کلام‌الله مجید و شرافت سربازی خود قسم خورد که درباره مسئله نفت، از راه جبهه ملی منحرف نشود و قانون ملی شدن صنعت نفت را اجرا کند. به دنبال اقدام ماجرا، آیت‌الله کاشانی مدتی بعد در مصاحبه با خبرنگاران خارجی در شهریور ۱۳۳۲ اعلام کرد من از ژنرال زاهدی امام که دو منافع ایران قدم برمی‌دارد، به پشتیبانی می‌کنم و هر وقت که به نظر برسد برخلاف مصلحت ایران عمل می‌نماید، با او مخالفت می‌نمایم!.. روابط مسالمت‌آمیز آیت‌الله کاشانی با دولت زاهدی، بیش از چهار ماه تداوم نیافت! آیت‌الله کاشانی که خود را ام‌پس‌ون محبت‌های انگلیس و امریکای دانست، میزان اعتقاد خود به شرافت سربازی و سوگند را نشان داد! او برخلاف تمایلات مردم که از انگلیسی‌ها متفر بودند، در صدد تجدید رابطه با این کشور بر آمد. او همان هنگام، مبارزه آشتی‌ناپذیر آیت‌الله با دولت وی آغاز شد و در ادامه حوادث به گونه‌ای پیش رفت که مبارزات وی تشدید شد. بیش از ۱۰ روز از کودتا گذشته بود که انگلیسی‌ها استعمار مجدد روابط دیپلماتیک با ایران و حل مسئله نفت را مطرح کردند. آنها که در پی دستیابی مجدد به منافع گسسترده خود در ایران بودند، حل بحران نفت را به تجدید روابط سیاسی بین دولت و کشور می‌گوید اگر دکتر مصدق برنگردد، کفن می‌پوشم و مردم را به سمت کاخ هدایت می‌کنم!... یعنی ایشان آماده بود که تا سرنگونی شاه هم پیش‌برود تا دولت مجدداً به قدرت برنگردد! آیا فردی با چنین ویژگی‌هایی که تمام حیثیت و سابقه و قدرت مبارزات استعماری‌اش را پای دکتر مصدق و نهضت ملی شدن نفت گذاشته، می‌تواند با کودتاگران همراهی و همکاری داشته باشد؟ این تهنیتی است که مدعیان باید به آن پاسخ دهند. متأسفانه در مقاطع مختلف و به‌ویژه در سال‌های اخیر، هر وقت که سارلوز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نزدیک می‌شود، تبعیعاتی را در برخی سایت‌ها راه می‌اندازند! افرادی با سال بیش بی بی سی حرف‌ها و اسنادی را از زبان اردشیر زاهدی منتشر کرد که آیت‌الله کاشانی در روز ۲۸ مرداد پول گرفته بود! بعد از تدسیر زاهدی این حرف را تکذیب کرد و گفت آیت‌الله کاشانی با توجه به موقعیتی که بین مردم داشت، نیازی به این جور پول‌ها نداشت! اخیراً به مقاله‌ای که در یکی از نشریات آلمانی منتشر شده، استناد کرده‌اند که آیت‌الله کاشانی بعد از اینکه دکتر مصدق، اشرف پهلوی را از ایران تبعید کرده بود، او را دعوت کرد تا برای هماهنگی کودتا به ایران برگردد! وقتی خود محمدرضا پهلوی در ایران هست، چه نیازی است که آیت‌الله کاشانی از اشرف دعوت کند که برای کودتا به ایران بیاید؟ اولاً: خود این سند، یعنی مقاله‌ای که در یک روزنامه آلمانی چاپ شده و تحلیلی از یک روزنامه آلمانی مشکوک به ارتباط با شبکه‌هایی است که امریکایی‌ها در کشورهای مختلف از جمله قبرس، ایران و برخی کشورهای دیگر برای تخریب شخصیت‌های دخیل و درگیر در نهضت ملی نفت به راه‌انداخته بودند و موج گسترده‌ای از شایعات را علیه آیت‌الله کاشانی و دکتر مصدق از سوی انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها را راندازی کردند، چه ارزشی می‌تواند داشته باشد؟ وقتی این شایعات را مشاهده می‌کنیم، می‌پندیم که هر دو شخصیت را تخریب می‌کنند! واقعاً تحلیل یک نشر به بدون ارائه هیچ سندی

➤ حسین مکی در دوران نهضت ملی ایران